

گواهی دشمنان و مخالفان برای دولت اسلامی

به لطف اجرای احکام اسلام در سیاست، حکومت، اقتصاد، اجتماع، قضاوت و... توسط دولت اسلامی، مردم از امنیت و آرامش برخوردار بودند. حتی مخالفان نیز به این امر گواهی داده‌اند:

موتری، جهانگرد، می‌گوید: چهارده سال در دولت عثمانی ماندم. حوادث سرقت در آنجا به ندرت رخ می‌داد، مانند سایر حوادث. در استانبول نیز سرقت بسیار نادر بود. مجازات راهزنان در دولت عثمانی مرگ با به سیخ کشیدن بود و طی چهارده سالی که در استانبول زندگی کردم، این مجازات تنها شش بار اجرا شد که همگی از نژاد رومی بودند و ترک‌ها به راهزنی معروف نبودند. به همین دلیل، هیچ ترسی از دزدان جیب‌بر نبود.

سر جیمز پورتر، سفیر در استانبول، با وجود دشمنی‌اش با ترک‌ها و اسلام، گفت: حوادثی مانند راهزنی و سرقت از خانه‌ها در جامعه عثمانی تقریباً ناشناخته بود. در زمان جنگ یا صلح، جاده‌ها مانند خانه‌ها امن بودند و هر کس می‌توانست به تنهایی در جاده‌های اصلی تمام کشورهای عثمانی سفر کند. با وجود تعداد زیاد سفرها و مسافران، تعداد حوادث به طرز شگفت‌آوری کم بود و در چندین سال، فقط چند حادثه نادر ممکن بود اتفاق بیفتد.

ابو جینی ذکر می‌کند: در آن پایتخت بزرگ، مغازه‌ها هر روز در اوقات معینی برای نماز باز می‌ماندند و شب‌ها درهای خانه‌هایشان را طبق عادت با قفل چوبی می‌بستند. با این وجود، سرقت در طول سال فقط سه یا چهار بار اتفاق می‌افتاد. اما در گالاتا و بیک‌اوغلو که بیشتر ساکنانش مسیحی بودند، روزی نمی‌گذشت مگر اینکه سرقت و جنایت رخ دهد.

یک جهانگرد انگلیسی در روزنامه دیلی نیوز درباره امنیت و درستی در دولت عثمانی نوشت: روزی یک گاری از یک روستایی اجاره کردم تا وسایل خودم و یک افسر مجارستانی که دوستم بود را حمل کنم. همه جعبه‌ها و وسایل باز و بدون پوشش بودند و در آن‌ها پالتوها، خزها و شال‌ها قرار داشت. خواستم مقداری گیاه خشک بخرم. یکی از ترک‌ها که فردی مهربان و باذوق بود، از من خواست او را همراهی کنم. سپس آن مرد گاوها را از گاری باز کرد و آن را با وسایل ما در وسط جاده رها کرد. وقتی دیدم که دور می‌شود، صدایش زدم و گفتم: باید کسی اینجا بماند. او گفت: چرا؟ گفتم: برای نگهبانی از وسایل ما. او گفت: برای چه؟ نگران نباشید، اگر وسایل شما یک هفته کامل، شب و روز، در این مکان بماند، کسی به آن‌ها دست نخواهد زد. من هم دیگر اصرار نکردم و رفتم. وقتی برگشتم، همه چیز سر جایش بود. سربازان عثمانی به طور مداوم از آنجا عبور می‌کردند. این حقیقتی است که باید برای تمام مسیحیان از کرسی‌های کلیساها در لندن اعلام شود؛ برخی گمان می‌کنند این فقط یک رویاست، اما باید از این خواب غفلت بیدار شوند.

اینها گواهی دشمنان و مخالفان بود، درباره وضعیت امنیت و آرامش در دولت اسلامی به لطف اجرای اسلام. اما امروز، در سایه دولت‌های ملی کارکردی که کافر استعمارگر برای تحقق منافع و اهداف استعماری پلید خود مهندسی کرده و اجرای نظام سرمایه‌داری را بر آن‌ها تحمیل نموده، زندگی مسلمانان از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی فاسد شده و جنایات، قتل و تجاوز به نوامیس و موارد دیگر افزایش یافته است.

امنیت و آرامش تنها با برپایی خلافت به وجود خواهد آمد. از ابوهیره از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم روایت شده است که فرمودند: «إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيَتَّقِي بِهِ» «همانا امام (خلیفه) سپری است که از پشت سر او جنگیده می‌شود و به او پناه برده می‌شود».